



کارآفرینی با افکار مدرن

شد. در بهمن ۱۳۶۱ با قید تعهد مبنی بر عدم خروج از حوزه قضایی تهران و کاشان و سپردن وثیقه ۵ میلیون تومانی آزاد شد. (وی صاحب ۱۲۹۲ سهم هزارریالی بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بود.) در تیرماه ۱۳۵۸ مشمول بند دال قانون حفاظت صنایع شد؛ بر اساس این بند اختیار واحد به عهده سرمایه‌گذار و مدیر شرکت قرار گرفت و جزو هیچ‌یک از بندهایی که اداره واحدها را در اختیار سازمان‌های دولتی می‌دهد، نگردید و به‌طور آزاد فعالیت خود را ادامه داد. با اینکه کارخانه‌اش مصادره نشد، از سال ۱۳۵۹ ممنوع‌المعامله شد و نتوانست فعالیت اقتصادی خود را توسعه دهد و تجارت و معاملات خارجی وی برای ادامه فعالیت کارخانه متوقف شد.

قریب به ۹ سال پیگیری وی در شعبه‌های مختلف دادگاه تا زمان مرگش ادامه داشت. به روایت یکی از کارگران عضو انجمن در فضای انقلابی دهه ۶۰ فشار نمایندگان انجمن و شورای اسلامی کارگران کارخانه به حدی بود که تفضلی را از سوارشدن به ماشین بنز بازمی‌داشت؛ زیرا سوارشدن ماشین لوکس به‌نوعی بی‌توجهی به ارزش‌های انقلاب محسوب می‌شد؛ به‌طوری که مجبور شد ماشینش را تغییر دهد. یکی از همان کارگران می‌گفت هرگاه بر سر مزارش می‌رود از وی طلب عفو می‌کند.

بانک مرکزی در سال ۱۳۶۶ یعنی دو ماه قبل از مرگ تفضلی اعلام کرد که خروج ارزی از سوی تفضلی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد این تغییر نگاه، تاثیر کم‌تری در مواجهه آنها با فعالان زنده صنعتی داشت. سرانجام زندگی این کارآفرین در آبان ۱۳۶۶ به پایان رسید. پس از انقلاب در مکاتباتش با تمام نهادهای حقوقی، تاکید بر ۵۰ سال خدمت به صنعت کشور کرد؛ اما در فضایی که نظام ارزشی به‌طور بنیادی تغییر کرده بود، تاکید بر همین نکته، همکاری وی با رژیم گذشته تلقی می‌شد.

منبع: دنیای اقتصاد

نکته‌ای هوشمندانه که او در دوران کاری خود در سیاست‌گذاری‌های خود اعمال کرد، تغییر نوع کارگران از روزمرد به کارمزد برای افزایش تولید بود و این موضوع، رشد خوبی در تولید کارخانه مخمل به همراه داشت. در ادامه نیز کمبود مواد اولیه پلی‌استر باعث آن شد که خاندان لاجوردی همراه با بانک توسعه صنعتی ایران که تفضلی در آن سهم بزرگی داشت، تصمیم به تاسیس کارخانه پلی‌اکریل اصفهان برای تامین مواد اولیه در داخل بگیرند، با این حال شرکت‌های تحت نظر تفضلی که مجموعاً ۶۵۰۰ پرسنل داشتند، در اواخر دهه هشتاد شمسی، هزار نفر نیروی کار را در مجموعه‌های خود در اختیار داشتند و مدیریت دولتی، موجب توقف رشد این کارخانه‌ها شد.

ساخت مرکز رادیولوژی و بخش سی‌سی‌یو در بیمارستان کاشان، مرمت مزار محتشم کاشانی و چاپ اشعار وی، کمک به مساجد و هیات‌های مذهبی نشانگر توجه او به مسائل خیریه بود. کمک مالی برای تاسیس دانشکده علوم پزشکی کاشان بخشی از فعالیت‌های اجتماعی او پس از انقلاب بود.

همچنین دخترش زیبا تفضلی در احداث ساختمان دانشکده نساجی و هنر دانشگاه کاشان نقش بسزایی داشت. در سال ۱۳۸۴، شرکت سرمایه‌گذاری ملی و سرمایه‌گذاری نیرو به دلیل بحران اقتصادی تصمیم گرفت قسمتی از زمین‌های کارخانه از جمله مجموعه ورزشی را بفروشد. بزرگ‌ترین موضوع علیه وی، مشارکت در بانک صنایع (سال ۱۳۵۲) بود؛ بانکی که وی بدون علاقه شخصی به عضویت هیات‌مدیره آن، انتخاب شده بود و پس از بازگشت از سفر خارج به اصرار فعالان صنعتی، عضویت آن را پذیرفت. او ماهی چندبار بدون دریافت دستمزد در جلسات آن شرکت می‌کرد (۱۳۵۴-۱۳۵۶) با اینکه وی کارمند بانک نبود در ۲۷ مرداد ۱۳۵۹ کارگزینی بانک صنایع سابق، وی را اخراج کرد.

پس از انقلاب به علت عضویت در بانک صنایع - با اینکه سهامدار آن نبود - ممنوع‌المعامله و ممنوع‌الخروج



اشاره:

حسن تفضلی کارآفرین و صنعتگر معروف کاشانی که متولد سال ۱۲۷۴ بود، بیش از نیم‌قرن از عمر خود را صرف احداث و گسترش کارخانه نساجی کاشان کرد که این کارخانه توانست با به‌کارگیری نزدیک به ۴ هزار کارگر، رونق اقتصادی خوبی را در این شهر به‌وجود آورد. تفضلی که کار خود را با ۱۰۰ نفر شروع کرده بود، در سال ۱۳۵۷ شرکتی با ۴۵۰۰ پرسنل، ۴ متخصص خارجی و ۱۱ مهندس در اختیار داشت و ۸۵۰۰ سهامدار نیز به خرید و فروش سهام شرکت وی می‌پرداختند. او در ادامه با همراهی خاندان لاجوردی، کارخانه مخمل کاشان را نیز راه‌اندازی کرد.